

Analysis of Teaching and Learning Strategies in Medical Education Curriculum with Entrepreneurship Education Approach

Yahya Mohammadi¹, Hasan Maleki², Mahboubeh Khosravi³,
Mohammad Reza Miri⁴, Abbas Abbaspour⁵

Background and Aim: One of the most important elements of designing medical education curriculum with entrepreneurial approach is teaching and learning strategies that plays a key role in the implementation and effectiveness of the curriculum. Teaching methods must be tailored to the objectives and content of the teaching and tailored to the needs of the learners. Therefore, the present study was conducted to examine the teaching and learning strategies in the medical education curriculum with the approach of entrepreneurship education.

Materials and Methods: This study is a systematic review. The search for the present study was carried out with entrepreneurial keywords, entrepreneurship and entrepreneurship curriculum, entrepreneurship teaching strategies in the field of medical education. In this regard, Web site articles, ISCs, SIDs and Magiran, Google scholar, ProQuest, sagepub, PubMed and library studies were searched in books and scientific papers published between 1990 and 2017.

Results: A total of 71 sources were studied. In an entrepreneurial curriculum, teacher teaching strategies in the classroom should be closely linked to the creativity and innovation of the students.

Conclusion: Effective entrepreneurship education requires providing various facilities, including teaching methods, and introduces acquaintance to instructors with an almost complete set of teaching methods for teaching.

Key Words: Curriculum; Teaching strategies; Education; Entrepreneurs

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2018; 25 (Supplementary: Medical Education): 16-26.

Received: January 22, 2018 Accepted: April 7, 2018

¹ Ph.D. student of curriculum planning, Curriculum Department, Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

² **Corresponding author;** Department of Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Tel: 02148393143 Fax: 02148393143 Email: : malaki_cu@yahoo.com

³ Department of Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

⁴ Social Determinants of Health Research Center, Birjand University of Medical sciences, Birjand, Iran

⁵ Department of Educational Management, School of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

واکاوی راهبردهای تدریس و یادگیری در برنامه درسی آموزش پزشکی با رویکرد آموزش کارآفرینی

یحیی محمدی^۱، حسن ملکی^۲، محبوبه خسروی^۳، محمدرضا میری^۴، عباس عباس پور^۵

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهمترین عناصر طراحی برنامه درسی آموزش پزشکی با رویکرد کارآفرینی، راهبردهای تدریس و یادگیری است که نقش کلیدی در اجرا و کارایی برنامه درسی دارد. روش‌های تدریس باید با اهداف و محتوای مورد تدریس مطابقت داشته باشد و براساس نیازهای فراگیران طراحی شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف واکاوی راهبردهای تدریس و یادگیری در برنامه درسی آموزش پزشکی با رویکرد آموزش کارآفرینی انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مروری سیستماتیک است. جستجوی صورت گرفته برای مطالعه حاضر با کلیدواژه‌های «کارآفرین»، «کارآفرینی و برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی»، «راهبردهای تدریس کارآفرینی در زمینه آموزش پزشکی» و همچنین کلیدواژه‌های «Entrepreneurship Teaching» و «Entrepreneurship and Entrepreneurship Curriculum» در پایگاه‌های جستجوگر SID، Magiran، Google Scholar، Proquest، Sagepub و Pubmed و مطالعه کتابخانه‌ای در کتب و مقالات علمی منتشر شده طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ انجام شد.

یافته‌ها: در مجموع ۷۱ منبع مورد بررسی قرار گرفت. در برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی، راهبردهای تدریس استاد در کلاس درس باید ارتباط تنگاتنگی با خلاقیت و نوآوری دانشجویان داشته باشد.

نتیجه‌گیری: آموزش اثربخش کارآفرینی، مستلزم فراهم آوردن امکانات مختلفی از جمله روش‌های تدریس می‌باشد و آشنا کردن مدرسان با مجموعه تقریباً کاملی از روش‌های تدریس، شرایط آموزش را بهبود خواهد بخشید.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی؛ راهبردهای تدریس؛ آموزش؛ کارآفرینی

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۱۳۹۷؛ ۲۵ (ویژه‌نامه آموزش پزشکی): ۱۶-۲۶.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۸

^۱ دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۲ نویسنده مسؤول؛ گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

آدرس: دانشگاه علامه طباطبائی تهران - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

تلفن: ۰۲۱۴۸۳۹۳۱۴۳. شماره: ۰۲۱۴۸۳۹۳۱۴۳ پست الکترونیکی: malaki_cu@yahoo.com

^۳ گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۴ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

^۵ گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

نظام آموزش عالی در جوامع نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند و در ایران نیز آموزش عالی وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه در زمینه صنعت، کشاورزی، خدمات و غیره را بر عهده دارد (۱). آماده‌سازی و تربیت جوانان برای اشتغال، همواره یکی از اهداف نظام آموزش عالی بوده است که در عصر کنونی شاید بتوان گفت مهمترین هدف نیز محسوب می‌شود. گسترش چشمگیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همچنین برون‌داد آن یعنی حجم عظیم دانش‌آموختگان، مؤسسات آموزش عالی را در دهه‌های اخیر به سمت مفهوم‌سازی و سنجش ابعاد مختلف کیفیت در آموزش عالی متمرکز کرده است (۲). از سوی دیگر در چند دهه گذشته، با افزایش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، انتقادات به‌عمل آمده از نظام آموزشی فزونی یافته است. در این راستا، برخی از مسئولان و متخصصان کوشیده‌اند تا با اتخاذ تدابیری، برنامه‌های درسی را با مقتضیات جامعه و دنیای کار پیوند دهند تا از این طریق ضمن ممانعت از بیکاری دانش‌آموختگان، به تقاضای بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به نیروی انسانی ماهر و متخصص پاسخ دهند (۳).

در شرایط مذکور، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی نظام آموزش عالی، شکاف بین آموخته‌های نظری و شایستگی‌های عملی دانش‌آموختگان است. Wilson (۴) برای مقابله با این چالش، یکی از رویکردهایی را که در سال‌های اخیر در جهت ایجاد پیوند بین آموخته‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نیازهای جامعه مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است، رویکرد کارآفرینی معرفی می‌نماید. امینی و همکاران (۵)، کارآفرینی را خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ می‌دانند و اعتقاد دارند که کارآفرینی فرآیند ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن آنها بدون توجه به منابعی می‌باشد که در حال حاضر موجود است؛ بنابراین

کارآفرینی خلق و توزیع ارزش و منافع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه را در بر می‌گیرد و معتقدند که این امر زمانی محقق می‌شود که کارآفرینی در قالب و ساختار برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش، جایگاهی شایسته داشته باشد.

بنابراین امروزه یکی از مهمترین رسالت‌ها و اهداف دانشگاه، افزایش قوه کارآفرینی و پرورش نیروهای خلاق و نوآور است که رسالت و مأموریت دانشگاه‌ها را در گذر زمان تغییر داده است و به این دانشگاه‌ها، دانشگاه نسل سوم گفته می‌شود. علاوه بر این، نقش کلیدی آن در پیشرفت جوامع، بسیاری از دانشگاه‌ها را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به‌کار گرفته است. همچنین با توسعه استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های علمی می‌توان آنها را به سمت بالابردن و تقویت روحیه و رفتار کارآفرینی دانشجویان از طریق آموزش مؤثر پی برد (۶).

یکی از رویکردهای کارآمدی که در رابطه با فرآیند آموزش پزشکی و ارتقای کیفیت آن مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش پزشکی قرار گرفته است، رویکرد برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی است (۷). در این رویکرد برنامه درسی، تأکید اصلی بر دستاوردهای کاملاً مشخص و تعریف شده و بر اساس نیازهای جامعه و بازار کار است (۸). آموزش در کارآفرینی، فعالیتی است که برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای تنظیم و اجرای کسب و کار مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ علاوه بر آن، نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های غیر کارآفرین را بهبود می‌بخشد و توسعه می‌دهد (۹). آموزش در کارآفرینی بر سطح روندها، فعالیت‌ها و اشتیاق کارآفرینی تأثیر می‌گذارد که در نتیجه آن، ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید در اقتصاد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (۱۰). بنابراین از مهمترین عناصر طراحی برنامه درسی آموزش پزشکی با رویکرد کارآفرینی، راهبردهای تدریس و یادگیری است که نقش کلیدی در اجرا و کارایی برنامه درسی دارد. این، روش تدریس و روش‌های منظم، سازمان‌یافته و منطقی برای ارائه

انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای کارآفرینی استفاده می‌شود و منجر به افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های غیر کارآفرینان می‌شود؛ علاوه بر این، اعتقاد و ارزش‌های دانشجویان برای ایجاد یک فرهنگ کارآفرینی شکل می‌گیرد (۱۲). بنابراین آموزش کارآفرینی باید به‌عنوان یک فرآیند خلاقانه به‌جای یک فرآیند مکانیکی در نظر گرفته شود و تدریس چنین فرآیندی چالش‌برانگیز و مشکل‌ساز است و نیازمند روش‌های جدید و فعال تدریس است (۱۳).

بنابراین از آنجایی که ارتباط بین آموزه‌های دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی و شایستگی‌های عملی به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی محسوب می‌شود (۱۴) و همچنین دانشگاه‌ها در عصر جهانی شدن، با توجه به مسئولیت‌های جدیدی که در قبال جامعه دارند، دگرگون شده‌اند (۱۵)، پس فرآیند شکل‌گیری و تکامل فرهنگ و پرکردن شکاف بین تحصیلات دانشگاهی و نیازهای بازار کار و مقتضیات شغل، برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی مورد نیاز تمایلات کارآفرینانه در محیط‌های آکادمیک را تحت عنوان تغییر در مأموریت دانشگاه‌ها می‌توان بررسی کرد (۱۶). بنابراین برای پر کردن شکاف بین تحصیلات دانشگاهی و نیازهای بازار کار و مقتضیات شغل، برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی مورد نیاز است و در جهت برآورده شدن این هدف، نیاز است اساتید در تدریس مطالب درسی، از روش‌های تدریسی استفاده کنند که بتواند این امر را شکوفا سازد. بر این اساس، ضرورت مطالعه درباره عناصر برنامه درسی، زمینه را برای طراحی یک برنامه درسی علمی و کاربردی در زمینه کارآفرینی فراهم خواهد کرد و همچنین شناسایی راهبردها به اساتید در جهت بهره‌گیری از آن در آموزش و ایجاد زمینه‌های کارآفرینی در اجرای برنامه درسی، کمک خواهد نمود.

درس‌هایی است که باید با اهداف و محتوای کارآفرینی مطابقت داشته باشد و همچنین باید براساس نیازهای فراگیران طراحی شود.

شناسایی مؤثرترین راهبردها برای معرفی مهارت‌های قابل آموزش و روابط بین نیازهای یادگیرنده و روش‌های تدریس، کلید موفقیت آموزش کارآفرینی موفق است. در این راستا، احمدپور و همکاران (۱۱) آموزش کارآفرینی را به‌عنوان ترکیبی از علم و هنر در نظر گرفتند؛ به این معنا، بخش علمی آن مربوط به مهارت‌های عملکردی مورد نیاز برای شروع یک کسب و کار است و بخش مربوط به هنر مربوط به جنبه‌های خلاقانه کارآفرینی است. علاوه بر این، حتی مربیان کارآفرینی به اتفاق آراء، به ضرورت توجه همزمان به جنبه‌های علمی و هنری کارآفرینی و آموزش آن با استفاده از روش‌های خلاقانه توافق دارند (۱۱).

در ارتباط با اهمیت و ضرورت این مطالعه باید اشاره شود که یکی از مبانی سیاست‌گذاری در سیاست‌های کلان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین بسته‌های طرح تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی مبتنی بر برنامه آموزش عالی حوزه سلامت مهر ماه ۱۳۹۴ وزارتخانه و نیز یکی از وظایف و برنامه‌های مهم نظام آموزش عالی کشور می‌بایست، برنامه درسی مبتنی بر توسعه و بسترسازی کارآفرینی و تربیت کارآفرینان در جامعه و همچنین بررسی کم و کیف آموزش با دنیای کار باشد. با پرورش نیروهای مورد نیاز بازار کار می‌توان تا حدی بحران عدم تعادل بین آموزش و بازار کار را کنترل نمود و با ایجاد تحولات اساسی در رشته‌های تحصیلی و محتوای برنامه درسی و حتی انتخاب دانشجو و همچنین با انجام اصلاحات در عوامل ساختاری خارج از وزارت بهداشت که از عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شوند، می‌توان کارآفرینی نظام آموزش عالی را افزایش داد. در این زمینه دانشگاه‌ها برای پرورش نیروی انسانی بایستی به شناسایی شرایط شغلی و مهارت‌های لازم مورد تقاضا بپردازند. در واقع، آموزش کارآفرینی فعالیتی است که برای

روش تحقیق

این مطالعه از نوع مروری سیستماتیک^۱ است که در نیمه اول سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این راستا جستجو در مقاله‌های پایگاه‌های اینترنتی و نیز موتورهای جستجوگر SID، ISC، Sagepub، Proquest، Google Scholar، Magiran و Pubmed و نیز مطالعه کتابخانه‌ای در کتب و مقالات علمی منتشرشده طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ انجام شد. جستجوی صورت‌گرفته، با کلیدواژه‌های «کارآفرین»، «کارآفرینی و برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی»، «راهبردهای تدریس کارآفرینی در زمینه آموزش پزشکی» و همچنین کلیدواژه‌های «Entrepreneurship and Entrepreneurship Curriculum» و «Entrepreneurship Teaching Strategies» در زمینه آموزش پزشکی انجام شد.

در این مطالعه معیار انتخاب مقالات، استخراج داده‌ها، ارزیابی کیفیت مقالات، تحلیل داده‌ها و انتشار و بکارگیری مقالات براساس راهنمای دانشگاه یورک انجام شد. برای جلوگیری از خطا و Bias؛ جستجو، انتخاب مطالعات و استخراج داده‌ها توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل از هم انجام گرفت. بررسی توافق بین نتایج جستجو نیز توسط پژوهشگر سوم انجام گردید.

در جستجوی اولیه ۶۵ مقاله، ۴ کتاب و ۲ پایان‌نامه گردآوری شد. پس از گردآوری منابع، برای انجام غربالگری، بر اساس عنوان و چکیده منابع، آنهایی که به طور خاص به برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی و راهبردهای تدریس پرداخته بودند، به طور عمیق تر مورد مطالعه قرار گرفتند و از مطالب مرتبط یادداشت‌برداری به عمل آمد. در مجموع از بین منابع گردآوری شده ۷۱ منبع، ۳۵ مقاله، ۲ کتاب و ۲ پایان‌نامه مناسب، ارزیابی و برای بررسی کامل و مرور ساختارمند وارد مطالعه شد. برای نگارش و استخراج داده‌ها از چک‌لیست پریسما استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌هایی در زمینه مبانی، مفهوم‌شناسی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی، اهمیت و راهبردی‌های تدریس مبتنی بر کارآفرینی به دست آمد که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

برنامه درسی آموزش کارآفرینی:

برنامه درسی کارآفرینی از نظر ماهیت باید مبتنی بر رویکرد چندرشته‌ای^۲ باشد. این برنامه باید قواعد پیچیدگی علوم را نشان دهد و همان‌گونه که افراد دارای استعدادها، انگیزه‌ها و هویت‌های پیچیده‌اند، این برنامه باید نیازهای متنوع آنها را مرتفع نماید (۱۷). برنامه درسی کارآفرینی باید دارای پنج بعد: محیط^۳، اقتصاد^۴، کارآفرینان^۵، شرکت (بنگاه) و پیچیدگی^۶ باشد. در خصوص محیط، به بررسی این موضوع می‌پردازد که محیط چگونه بر رفتار جوامع و افراد اثر می‌گذارد. در زمینه اقتصاد، منعکس‌کننده استراتژی‌هایی است که برای موفقیت در این محیط مورد نیاز است. در بخش کارآفرینان، فراگیران با افراد کارآفرین جامعه خود مصاحبه می‌کنند و از این طریق ذهنیت و آمادگی کارآفرینی کسب می‌نمایند و با دشواری‌ها و فرصت‌های شروع کسب و کار در جامعه خود آشنا می‌شوند. در رابطه با شرکت یا بنگاه، فراگیران از طریق تحلیل محیط، اقتصاد و کارآفرینان چارچوبی برای طراحی یک واحد بنگاه فراهم می‌کنند و بخش پنجم یعنی پیچیدگی نشان‌دهنده پیچیدگی عمل کارآفرینی و تأثیر متغیرهای مختلف بر کارآفرینی است (۱۸).

Luczkiv، برنامه درسی کارآفرینی ارائه می‌دهد که چارچوب یادگیری در آن شامل سه حیطه است: الف) یادگیری درباره کارآفرینی؛ ب) یادگیری برای کارآفرینی و ج) یادگیری از طریق کارآفرینی. این برنامه یادگیری، مبتنی بر محیط

² Multidisciplinary

³ Environment

⁴ Economy

⁵ Entrepreneurs

⁶ Enterprise

⁷ Entreplicity

¹ Systematic review

متغیرهای اساسی از قبیل: گشودگی فکری، ایدئولوژی کسب و کار، پردازش اطلاعات و عملکرد کلی، تأثیر داشته باشد. بنابراین برنامه درسی کارآفرینی باید با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد و ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه تدوین شود. برنامه درسی دارای عناصری است که هماهنگی این عناصر موجب موفقیت و بهره‌وری برنامه درسی خواهد شد. یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار، راهبردهای تدریس در حوزه کارآفرینی است که نیاز است مورد مطالعه قرار گیرد.

اهمیت راهبردهای تدریس مبتنی بر کارآفرینی:

در نظام آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌لحاظ ماهیت رشته‌های موجود در این دانشگاه‌ها، امر تدریس از اهمیت خاصی برخوردار است و ارتقای کیفیت آموزش دانشجویان پزشکی، بدون تحول در روش‌ها و فنون تدریس امکان‌پذیر نیست. بنابراین عوامل متعددی در اثربخشی تدریس و تحقق یادگیری از طریق تدریس نقش ایفا می‌کنند که یکی از آنها سبک و روش‌های تدریس است که استادان از آن استفاده می‌کنند. تدریس، کُنش متقابل استاد و فراگیر است که در این تعامل، استاد با برنامه‌ریزی تلاش می‌کند تا شرایط مطلوب تغییر را به وجود آورد. همانند دانشجویان که دارای سبک‌های یادگیری ترجیحی هستند، اساتید هم از سبک‌های ترجیحی خود استفاده می‌کنند. سبک تدریس، الگوی ویژه‌ای از عقاید و رفتارهایی است که مدرّس ارائه می‌دهد و مدرّس نقش تسهیل‌کننده دارد (۲۲). مدرّسان در حوزه کارآفرینی همواره درخواست دارند، در مورد آنچه که باید تدریس شود و تدریس به چه صورت باشد، ثبات بیشتری وجود داشته باشد (۲۳)؛ اما محتوای مناسب برای برنامه‌های کارآفرینی موضوعی است که همیشه مورد بحث باقی می‌ماند (۲۴).

همچنین Blenker بیان می‌کند که نظام آموزشی در سطح دانشگاه‌ها در حال حاضر قادر به توسعه انگیزش، شایستگی‌ها و مهارت‌های مرتبط با کارآفرینی و نوآوری نیست و آموزش کارآفرینی نیازمند روش‌های یادگیری،

جامعه است که مهارت‌های کارآفرینی را تقویت می‌نماید و قابلیت اجرا در سطح مدارس و دانشگاه را دارد و مبنای یادگیری در این برنامه انجام‌دادن است و شالوده این برنامه، جامعه است (۱۷).

Aligica و Florian بیان می‌کنند که آموزش فقط بر حمایت از توسعه دانش تفکر، تمرکز دارد؛ در حالی که آموزش کارآفرینی، انسان را از منظر تصمیماتی که می‌گیرد، به‌عنوان یک کل در نظر می‌گیرد (شامل: احساسات، عواطف، ارزش‌ها و علایق)؛ بنابراین تربیت کارآفرین نه‌تنها نیازمند دانش بلکه نیازمند شیوه‌های نوین تفکر، نوع جدیدی از مهارت‌ها و مدل‌های جدیدی از رفتار می‌باشد. همچنین معتقد است که آموزش کارآفرینی باید به رفتار کارآفرینی^۱ منجر شود (۱۹).

بنابراین تغییر تمرکز و نوع نگاه از آموزش کارآفرینی به رفتار کارآفرینی، تأثیر به‌سزایی در نوع رویکردها و شیوه‌های تدریس کارآفرینی به‌دنبال خواهد داشت. Blenker در مطالعه خود بیان می‌کند: تدریس متمرکز بر انتقال دانش که در آن دانشجویان یا فراگیران، منفعل و دریافت‌کننده دانش هستند، به رفتار کارآفرینی منجر نخواهد شد. اگر شما می‌خواهید دانشجویان را به نشان‌دادن رفتار کارآفرینی قادر سازید، این کافی نیست که به آنها درباره کارآفرینی تدریس کنید یا اینکه توضیح دهید که چگونه طرح کسب و کار بنویسند؛ آنها باید ایده‌های برتر را کسب کنند و همچنین دارای ظرفیت‌های لازم و حمایت‌های کافی برای تعقیب و پیگیری تبدیل آن به عمل، باشند؛ به عبارتی دیگر، برای نشان‌دادن رفتار کارآفرینی دانشجویان، ضروری است تا عناصر توسعه فردی را با آموزش دانشگاهی ترکیب کنید (۲۰). بنابراین رویکردهای پداگوژیکی باید به‌دنبال یافتن بهترین شیوه‌ها برای ارائه محتوا از سوی استادان باشند؛ به‌گونه‌ای که فراگیران قادر به جذب آن باشند. بنابراین شیوه‌های سنتی آموزش در حقیقت از آموزش مهارت و نگرش‌های مورد نیاز کارآفرینی جلوگیری می‌کند. Brockhaus (۲۱) استدلال می‌کند که آموزش باید بر

¹ Entrepreneurial behavior

نوآوری و کارآفرینی خواهند شد که اساتید دانشگاه نسبت به روش‌های تدریسی که بتواند این امر مهم را تقویت کند، آگاهی داشته باشند.

راهبردهای تدریس مبتنی بر رویکرد کارآفرینی:

آموزش با رویکرد کارآفرینی باید به‌عنوان یک فرآیند خلاقانه به‌جای یک فرآیند مکانیکی در نظر گرفته شود؛ بنابراین تدریس چنین فرآیندی چالش‌برانگیز و مشکل‌ساز است و نیازمند روش‌های جدید و فعال تدریس است. محققان، روش‌های مختلفی برای آموزش کارآفرینی ارائه کرده‌اند که در جدول یک گزارش شده است.

بحث

یادگیری، به عوامل متعددی از جمله: رفتارهای دانشجوی، انگیزه یادگیری، محتوای برنامه درسی، محیط و منابع فیزیکی بستگی دارد. ولی پژوهشگران نشان داده‌اند که تدریس اثربخش در پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانشجوی، از سایر عوامل مهم‌تر بوده است. بنابراین یکی از مهمترین عناصر طراحی برنامه درسی آموزش پزشکی با رویکرد کارآفرینی، راهبردهای تدریس و یادگیری است که نقش کلیدی در اجرا و کارایی برنامه درسی دارد. این، روش تدریس و روش‌های منظم، سازمان‌یافته و منطقی برای ارائه درس‌هایی است که باید با اهداف و محتوای کارآفرینی مطابقت داشته باشد و همچنین باید براساس نیازهای فراگیران طراحی شود.

با مرور مطالعات گذشته مشخص شد که روش‌های آموزشی موجود دارای نقاط ضعف می‌باشند و نمی‌توانند قدرت خلاقیت و کارآفرینی را در دانشجویان تقویت نمایند. در این راستا، با انجام مطالعات مختلف، بسیاری از محققان به دنبال نقص موجود بوده‌اند و در عین حال روش‌های جدیدی ارائه داده‌اند. اما نکته این است که تمام این مطالعات بر روی عناصر متعدد برنامه آموزشی تمرکز کرده‌اند؛ یعنی، هیچ‌کدام از آنها روش‌های تدریس را به‌عنوان موضوع خاص و قابل

فرآیندهای پداگوژیکی و اشکالی از آموزش است که به آن تسلط ندارند و این تغییرات، تحوّل همزمان آموزشی، پداگوژیکی و زمینه دانشگاهی را شامل می‌شود (۲۰). از سوی Jennings و Hawley ادعا می‌کنند که بسیاری از آموزش‌های کارآفرینی واقعاً با نیازهای کارآفرینان مرتبط نیستند؛ بنابراین روش تدریس در آموزش کارآفرینی باید روش‌هایی به غیر از روش‌های سنتی را در بر گیرد (۲۵). برای مثال De Faofite و همکاران معتقدند که روش‌های آموزش سنتی، بیشتر بر تئوری و رویکرد آموزشی تمرکز دارند؛ بنابراین این شیوه‌ها و روش‌ها برای آموزش کارآفرینی مناسب نیستند. تدریس مبتنی بر کارآفرینی باید دانشجویان را تشویق کند تا به روش‌های متفاوت به مسئله نگاه کنند؛ به‌جای اینکه پافشاری کنند که تنها یک راه درست برای مسئله وجود دارد؛ به‌عبارتی دیگر به جای اینکه همانند دیگران قالبی فکر کنند، با استفاده از تفکر خلاق، شیوه‌های مختلف حل مسائل را بررسی نمایند (۲۶)؛ بنابراین کارآفرینان باید به‌طور مداوم از دیدی متفاوت به دنیا بنگرند و آموزش کارآفرینی باید تفکر خلاق و مهارت‌های حل مسئله را در فراگیران پرورش دهد. مدرسان کارآفرینی باید خود نیز کارآفرین باشند. آنها باید اجازه بدهند تا برنامه درسی متناسب با نیازهای هر کلاس تنظیم شود. همچنین باید به آنها این آزادی داده شود تا شیوه‌های مختلف تدریس را بررسی و اثربخشی هر روش را تعیین نمایند (۲۷). در تلاش برای ارزیابی رویکردهای مختلف تدریس کارآفرینی، Long و McMullan روش تدریس موردی را با روش پروژه در یک مطالعه بر روی دانشجویان رشته‌های MBA و دانش‌آموختگان دانشگاه Calgary مقایسه کردند. آنها متوجه شدند که دانشجویان احساس کردند که روش موردی در ایجاد مهارت‌های تحلیلی و توانایی ترکیب اطلاعات مؤثرند (۲۸). همچنین دوره‌های آموزشی مبتنی بر روش پروژه برای توسعه، تقویت دانش و درک حیطه‌های موضوعی از قبیل توانایی ارزشیابی، مناسب می‌باشند (۲۳). در صورتی دانشجویان دارای دانش، انگیزه

توجه در نظر نگرفته‌اند.

برخوردار باشند (۳۹)؛ همچنین فضای کلاس درس باید سرشار از سیستم مشارکتی بودن فعالیت‌های آموزشی، استفاده از حرکات غیر کلامی در آموزش، استفاده از مثال‌های ابتکاری حین آموزش با رویکرد کارآفرینی، برقراری روابط عاطفی در طول آموزش و استفاده از تجارب عملی افراد کارآفرین و کارآفرینان موفق در آموزش باشد. بنابراین در این مقاله سعی شد، با جمع‌آوری راهبردهای تدریس کارآفرینی که در سایر مقالات و کتاب‌ها به صورت پراکنده به آنها اشاره شده است، مجموعه کاملی از روش‌های آموزشی را فراهم آوریم که با رجوع به آنها قادر باشیم برای شرایط متفاوت و ویژگی‌های متفاوت فراگیران، از آنها بهره‌گیری کنیم و در نهایت اثربخشی کلاس درس را افزایش دهیم.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه مروری انجام‌شده، روش‌های سنتی آموزش، شیوه مناسبی برای تقویت روحیه کارآفرینی، نوآوری و آموزش محتوای کارآفرینی نیست؛ بنابراین شیوه‌های جدیدی از قبیل: روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی و حل مسئله در تدریس کارآفرینی باید مد نظر اساتید قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی برای رشته‌های علوم بهداشتی» است. بدین‌وسیله از تمام کسانی که در انجام این مطالعه کمک کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

بنابراین روش‌های تدریس کارآفرینی موجب می‌شود تا نگرش کارآفرینانه دانشجو دچار تغییر شود و این نقطه اتکایی است تا از طریق این آموزش‌ها بتوان نگرش کارآفرینانه افراد را تقویت کرد و به سمت رفتار کارآفرینانه سوق داد. اعتقاد بر این است که باورها و نگرش‌ها آموخته می‌شوند و زمانی که حتی بر اساس تعلیمات خانوادگی و محیط اجتماعی ایجاد شده‌اند، باز هم می‌توان با آموزش و یادگیری در آنها تغییراتی ایجاد کرد (۳۸). روش تدریسی که بتوان آن را به‌عنوان بهترین روش برای خلق کارآفرینی معرفی کرد، وجود ندارد. بر اساس نتایج این مقاله، اغلب کسانی که در رابطه با معرفی روش‌های تدریس مبتنی بر کارآفرینی مطالعات گسترده انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از یک روش خاص در آموزش کارآفرینی نمی‌تواند ضامن رسیدن ما به هدف باشد. همیشه و در رابطه با افراد مختلف، مجموعه‌ای از روش‌ها می‌تواند تسهیل‌کننده یادگیری باشد و نتیجه را به سمت و سوی خاص خود هدایت نماید.

همچنین طبق یافته‌های این پژوهش، اساتید در هنگام تدریس، باید دارای رویکرد و روحیه نقدپذیری باشند که این ویژگی در دانشجویان هم بر اساس برنامه درسی پنهان یاد گرفته شود. اساتید حوزه پزشکی برای تدریس محتوا با رویکرد کارآفرینی باید از توانایی‌هایی شامل: توانایی برقراری ارتباط عاطفی با دانشجویان در کلاس درس، توانایی بهره‌گیری از روش‌های متنوع تدریس درس کارآفرینی، تجربه و مهارت کافی برای بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری درس کارآفرینی و شایستگی عمومی و توانایی رهبری کلاس،

منابع:

- 1- Ojaghi S, Naderi N, Rezaee B. Evaluation of Entrepreneurship Teaching Skills According to the Borich Model: Mixed Method. *Journal of Research in Teaching*. 2017; 4(3): 129-43. [Persian]
- 2- Hedayati A, Maleki H, Sadeghi A, Saadipour I. Developing and validating of the competency-based curriculum model for MA in curriculum course. *Quarterly of Qualitative Research in Curriculum Studies*. 2016; 1(4): 27-61. [Persian]

- 3- Saidi Rezvani M, Binaghi T. An evaluation of educational needs assessment models and curriculum design for applied educational programs in Islamic Republic of Ira. *Stud Educ Psychol*. 2003; 4(2): 105-23. [Persian]
- 4- Wilson J. Bridging the theory practice gap. *Aust Nurs J*. 2008;16(4): 45-56.
- 5- Porcel JM, Casademont J, Conthe P, Pinilla B, Pujol R, García-Alegría J. Core competencies in Internal Medicine. *Eur J Intern Med*. 2012; 23(4): 338-41.
- 6- Ahmadpour daryani M. Entrepreneurship definitions, theories, models. Tehran: Pardis; 2002. [Persian]
- 7- Arasti Z, Kiani Falavarjani M, Imanipour N. A Study of Teaching Methods in Entrepreneurship Education for Graduate Students. *Higher Education Studies*. 2012; 2(1): 2-10.
- 8- Bager T. The camp model for entrepreneurship teaching. *IEMJ*. 2011; 7(2): 279-96.
- 9- Zabihi M, Moghaddasi A. Entrepreneurship, From Theory to Practice. Mashhad: Jahan Farda; 2006. [Persian]
- 10- Zali M, Razavie SM, Yadollahi Farsi J, Kordnaeej A. An Assessment of the Status of Entrepreneurship in Iran. Tehran: Publications of Labor and Social Security Institute; 2010. [Persian]
- 11- Ahmadpour M, Matlabi M. [Presentation of Life-Long Learning Model of Creativity with a Integrated Approach]. *Monthly of Work and Society*. 2011; 13(4): 21-37. [Persian]
- 12- Khanijazni J. [The Impact of entrepreneurship education on the promotion of entrepreneurial culture in universities]. *Journal of New Economy and Commerce*. 2007-2008; 3(10-11): 242-65. [Persian]
- 13- Esmi K, Marzoughi R, Torkzadeh J. Teaching learning methods of an entrepreneurship curriculum. *J Adv Med Educ Prof*. 2015; 3(4): 172-7.
- 14- Potter J. Entrepreneurship and Higher Education: Future Policy Directions. In: Potter J (ed.). *Entrepreneurship and Higher Education*. OECD Publishing; 2008. pp: 313-35.
- 15- Hosseingholizadeh R. The basic requirements of interaction of university-industry: a knowledge management approach. *Iranian Journal of Engineering Education*. 2012; 14(54): 1-19. [Persian]
- 16- Etzkowitz H. The Entrepreneurial University: Vision and Metrics. *Industry and Higher Education*. 2016; 30(2): 83-97.
- 17- Luczkiw E. Entrepreneurship Education in an Age of Chaos, Complexity and Disruptive Change. In: Potter J (ed). *Entrepreneurship and Higher Education*. OECD Library; 2008. pp: 65-93.
- 18- Mazbouhi S, Sharafi M, Moghadam M. Entrepreneurship curriculum: objectives, content, teaching methods and evaluation. *Innovation and Creativity in Human Sciences*. 2011; 1(3): 97-130. [Persian]
- 19- Aligica PD, Florian B. Entrepreneurship and education. The missing link in international development theory and practice. *Int J Business and Globalisation*. 2008; 2(1): 28-38.
- 20- Blenker P, Dreisler P, Faergemann HM, Kjeldsen J. A framework for developing entrepreneurship education in a university context. *IJESB*. 2008; 5(1): 45-78.
- 21- Brockhaus R. Entrepreneurship education: A research agenda. In: Hoy F, Monroy TG, Reichert J (eds.). *The Art & Science of Entrepreneurship Education*. Aldershot: Ashgate; 1993.
- 22- Keshavarzi Z, Akbari H, Forouzanian S, Sharifian E. Comparison the Students Satisfaction of Traditional and Integrated Teaching Method in Physiology Course. *Educ Strategy Med Sci*. 2016; 9(1): 21-7. [Persian]
- 23- Biksa V, Rimere I, Rivza B. The Improvement of Entrepreneur Ship Education Management in Latvia. *Procedia Soc Behav Sci*. 2014; 140: 69-76 .
- 24- Solomon G. An examination of entrepreneurship education in the United States. *Journal of Small Business and Enterprise Development*. 2007; 14(2): 168-82.
- 25- Jennings PL, Hawley D. Designing effective training programmes. *Proceeding of the 19th Institute of Small Business Affair –Small Firms’ National Conference*; 1996; Birmingham, England.

- 26- De Faoite D, Henry C, Johnston K, van der Sijde P. Entrepreneurs' attitudes to training and support initiatives: evidence from Ireland and The Netherlands. *Journal of Small Business and Enterprise Development*. 2004; 11(4): 440-8.
- 27- Rabbior G. Elements of a Successful Entrepreneurship/Economics/Education Program. In: Kent GA (ed). *Entrepreneurship Education: Current Developments, Future Directions*. New York: Quorum Books; 1990. pp: 53-65.
- 28- McMullan WE, Long WA. Entrepreneurship education in the nineties. *Journal of Business Venturing*. 1987; 2(3): 261-75.
- 29- Oyelola OT (ed). Embedding entrepreneurship education in to curriculum: A case study of Yaba College of technology, Centre for Entrepreneurship Development. The 1st International Africa Enterprise Educators Conference; 2013 January; Lagos. Lagos, Nigeria; 2013.
- 30- Kent JA. The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education: 1876–1999. *Journal of Business Venturing*. 2003; 18(2): 283-300.
- 31- Vesper KH, Ed. McMullan W, Ray DM. Entrepreneurship education: More than just an adjustment to management education. *International Small Business Journal: Researching Entrepreneurship*. 1989; 8(1): 61-5.
- 32- Haase H, Lautenschlager A. The “Teachability Dilemma” of entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*. 2011; 7(2): 145-62.
- 33- Pittaway L, Cope J. Simulating Entrepreneurial Learning: Integrating Experiential and Collaborative Approaches to Learning. *Manag Learn*. 2007; 38(2): 211-33.
- 34- Tan SS, Frank Ng CK. A Problem-based Learning Approach to Entrepreneurship Education. *Journal of Education & Training*. 2006; 48(6): 416-28.
- 35- Sharif SM, Jamshidian A, Rahimi H, Naderi N. An Analysis of Entrepreneurship Education Status in Iran Higher Education. *Journal of Entrepreneurship Development*. 2011; 4(1): 87-106.
- 36- Yadollahi J, Mirarbrazi R. An Examination of the Introduction of Entrepreneurship Education Curriculum in Educational Sciences. *Journal of Entrepreneurship Development*. 2010; 1(3): 61-80. [Persian]
- 37- Maghsudi S. Study on teaching methods in entrepreneurship education. *Bi-quarterly Journal of Educational Studies (NAMA)*. 2016; 4(1): 63-70. [Persian]
- 38- Safari S, Samiazadeh M. Needs Assessment of Entrepreneurship knowledge and Skill Education a Comparative Approach in Different Fields of Humanities. *Journal of Technology of Education*. 2012; 7(1): 65-79. [Persian]
- 39- Hedayati A, Maleki H, Sadeghi A R, Saadipour E. Contemplation on Competency-based Curriculum in Medical Education. *Iran J Med Educ*. 2016; 16(10): 94-103. [Persian]

جدول ۱- راهبردهای تدریس مبتنی بر رویکرد کارآفرینی

نویسنده	راهبردهای تدریس
Oyelola (۲۹)	پروژه گروهی، نوشتن طرح‌های کسب و کار، تجربه عملی در تولید و فروش محصولات و خدمات و یادگیری از اشتباهات
Arasti (۷)	پروژه گروهی، مطالعه موردی، پروژه‌های فردی، طرح توسعه سرمایه‌گذاری جدید، حل مسئله، هدایت کارآفرینان جوان با حمایت از آنها در پروژه‌های خود، آموزش سرمایه‌گذاری، بحث گروهی، سخنرانی رسمی، مصاحبه با کارآفرینان، شبیه‌سازی و بازدید علمی
Torben (۸)	اردوگاه‌های کارآفرینی
Kent (۳۰) و Vesper (۳۱)	نوشتن طرح کسب و کار، مطالعات موردی، سخنرانان مهمان
Haase-Lautenschlager (۳۲)	تمرینات پروژه‌محور، مشاوره با کارآفرینان حقیقی
Pittaway و Cope (۳۳)	برنامه‌های شبیه‌سازی
Solomon (۲۰)	اسکان‌های محیطی، سفرهای میدانی و استفاده از ویدئو و فیلم
Potter (۳۴)	برنامه‌ریزی کسب و کار، مطالعات موردی، شرکت‌های شروع کسب و کار، بازی‌های تجاری، تیم‌های کارآفرینان دانشجویی و شبکه‌ها، کارآموزی در شرکت‌های کوچک، مطالعات امکان‌سنجی، آموزش در ارتباطات، مشاوره در شروع کسب و کار کوچک، آموزش از راه دور و همکاری خارجی و ارائه شبیه‌سازی‌های کسب و کار، بازی‌ها، تجزیه و تحلیل و بحث در مورد کسب و کارهای واقعی، کار گروهی، مربی‌گری، شبکه‌سازی (تجربه مشترک)، آموزش، یادگیری عملی، روش مشکوک، پشتیبانی گروه همسالان، مشاوره تخصصی و مشاوره فشرده و دسترسی به شبکه‌های تجاری
Tan Siok San- Frank (۳۴)	یادگیری مشکوک، یادگیری فعال
شریف و همکاران (۳۵)	پروژه‌های فردی، تحقیقات عملی، پروب‌سازی، تبدیل ایده‌ها به برنامه‌های عملی، بحث در مورد برنامه‌های مهم و کامل اقدامات و اجرای طرح‌های طراحی‌شده، کنترل روش‌های تحقیق و علمی، آموزش و پژوهش و توسعه
مذبوحی و همکاران (۱۶)	حل مسئله، روش‌های آموزشی فعال و فعالیت‌های یادگیری عملی، ارائه فرصت‌های خلاقیت، ایجاد ایده‌های جدید، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های تخصصی
اسمی و همکاران (۱۳)	تجربیات زندگی واقعی و محیط یادگیری، کار گروهی، درگیر شدن در یادگیری، تحقیقات عملی و ارتباط دائمی و پیوسته با کارآفرینان
یدالهی و همکاران (۳۶)	روش‌های آموزشی عملی، کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، مصاحبه، بازدید از کارآفرینان و سخنرانی‌ها
مقصودی (۳۷)	روش‌های آموزش شبیه‌سازی‌شده، سخنرانی در کلاس، مصاحبه با یک کارآفرین، مباحثه‌های گروهی، دعوت از کارآفرینان به‌عنوان سخنران مهمان، کارورزی شرکت‌های کوچک، شروع کسب و کار توسط دانشجویان، مطالعات امکان‌سنجی، طرح کسب و کار، مطالعات موردی، برنامه‌های آموزش از راه دور، حل مسأله